

The place of political development in upstream documents and its relationship with increasing the soft power of the Islamic Republic of Iran

Yusef Hajti¹
Lena Abdulkhani²
Shiva Jalalpour³
Hossein Karimi Fard⁴

Received Date: 23 Jan 2021
Reception Date: 21 Sep 2021

Abstract

The subject of this article is to examine the place of political development in the upstream documents and its relationship with the increase of soft power of the Islamic Republic of Iran. Raising the level of public awareness and political development of the people has always been the focus of the leaders of the revolution since the beginning of Imam Khomeini's movement against imperial tyranny and also against external software threats. This article seeks to answer the question "What is the place of political development in the upstream documents of the government and what is the relationship between it and the increase of soft power of the Islamic Republic of Iran?" In order to answer this question, upstream documents in the Islamic Republic of Iran such as the Constitution, the Vision 1404 document, as well as the five-year development plans of the

¹ . Ph.D. student of Political Science, Iranian Issues, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Author) Email: with.policy@gmail.com

³ . Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

⁴ . Associate Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

country have been studied in a library and descriptive manner. The conclusion of the article is that in all these documents, increasing public participation and political development are emphasized as important tools in strengthening the software power of the political system against foreign enemies.

Keywords: Political Development, Soft Power, Upstream Documents, Iran Vision 1404, Five-Year Development Plan

جایگاه توسعه سیاسی در اسناد بالادستی و رابطه آن با افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳۰

یوسف حاجتی^۱

لنا عبدالخانی^۲

شیوا جلال‌پور^۳

حسین کریمی‌فرد^۴

چکیده

ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه سیاسی مردم همواره کانون توجه رهبران انقلاب از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) در برابر استبداد شاهنشاهی و همچنین در برابر تهدیدات نرم-افزارانه بیرونی بوده است. با توجه به اینکه، افزایش قدرت نرم در هر جامعه‌ای نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای مدرن است، توسعه سیاسی توانسته‌اند نقش مهمی در تحقق افزایش

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)
with.policy@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

قدرت نرم داشته باشد. با توجه به همین دغدغه، هدف این پژوهش بررسی نحوه تأثیر توسعه سیاسی بر افزایش قدرت نرم ایران بوده، بر همین اساس سؤال اصلی این تحقیق بود که، توسعه سیاسی در اسناد بالادستی حاکمیتی از چه جایگاهی برخوردار است و چه رابطه‌ای میان آن و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد؟ روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر، تفسیری از نوع کیفی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بود. یافته‌ها نشان از آن دارد که، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه مهمی برای توسعه سیاسی قائل شده که برآورده کردن آنها منجر به افزایش قدرت نرم می‌شود. به عبارتی، در همه این اسناد بر افزایش مشارکت عمومی و توسعه سیاسی ابزار مهمی در تقویت قدرت نرم‌افزاری نظام سیاسی در برابر دشمنان خارجی تأکید شده است.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، قدرت نرم، اسناد بالادستی، چشم انداز ایران ۱۴۰۴، برنامه پنج ساله توسعه.

۱- مقدمه و بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در افزایش آگاهی عمومی و توسعه سیاسی مردم و پایه‌گذاری نظام سیاسی جدیدی است که در آن همزمان به جمهوریت و اسلامیت توجه شده است. در دوران شاهنشاهی، سراغی از مشارکت مردمی و اعتقاد به نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان مملکتی نبود و تصمیمات در دربار و توسط شخص محمدرضا پهلوی گرفته می‌شد. در چنین فضای سرد گفتمانی، نهضتی به پا شد که اعتقاد قلبی و مکتبی به آگاهی‌بخشی به مردم و حضور گسترده آن‌ها در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... داشت و بر این باور بود که با برپایی نظام سیاسی زیر بیرق ولایت فقیه می‌تواند هم نیازها و رفاه دنیوی و مادی مردم را تأمین کند و هم کمبودهای جامعه بشری به معنویت، اخلاق و عدالت را برطرف کند.

از این‌رو، با سرنگونی نظام شاهنشاهی و روی کار آمدن نظام سیاسی جدید که مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت است، در عین اینکه از امتیازات یک نظام دموکرات بهره می‌برد و حضور و مشارکت پرشور مردم را تشویق می‌کند، تحت ولایت رهبر و فقیه جامع‌الشرایط، جامعه از کشیده شدن به ورطه رقابت‌های حزبی و بی‌معنا شدن مفاهیم بنیادین بشری همچون اخلاق، عدالت، معنویت و سعادت جلوگیری می‌شود.

در دنیای کنونی، کشورها بیش از آنکه نگران تهدیدات سنتی و سخت از جانب دولت‌ها باشند، نگران تهدیدات نرم‌افزارانه‌ای هستند که به آرامی و پیوستگی وارد سامانه مدیریت کلان کشور شده و نظام سیاسی را وادار به فرمانبرداری می‌کنند. طبیعتاً در چنین فضایی، دولت‌ها و به ویژه نظام‌های سیاسی نوپایی که بی‌شک تهدیدات بی‌شمار را پیشرو دارند، بیشتر از دیگران احساس خطر می‌کنند و در پی تقویت هرچه بیشتر قدرت نرم خود بر می‌آیند.

این مسأله همواره از سوی حضرت امام خمینی (ره)، و حضرت آیت‌اله خامنه‌ای (مد ظله العالی) مورد اشاره قرار گرفته است. از تأکید بر برگزاری رفراندوم، تأسیس جمهوری اسلامی گرفته، تا دعوت از مردم برای مشارکت حداکثری در انتخابات اخیر ریاست جمهوری. به باور رهبر معظم انقلاب اسلامی، «هیچ ابزار قدرتی به اندازه حضور مردم برای کشور قدرت‌افزا

نیست) «سخنرانی تلویزیونی رهبر در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، مورخ ۲۶ خردادماه ۱۴۰۰».

در الگوی دموکراسی ولایت محور، ارتقای توسعه سیاسی و گستردگی مشارکت عمومی مردم در مناسبت‌های گوناگون فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... ابزار تأثیرگذار و تعیین‌کننده قدرت نرم نظام سیاسی به شمار می‌رود که ضامن بقاء امنیت، توسعه و مقاومت در برابر تهدیدات دشمنان است. به منظور تقویت قدرت نرم کشور در برابر تهدیدات، توجه ویژه‌ای به تقویت توسعه سیاسی در اسناد بالادستی حاکمیتی، همچون قانون اساسی، چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و... کشور شده است. بر همین اساس کنکاش پیرامون توسعه سیاسی و نقش آن در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، امری ضروری است.

۲- پرسش‌های پژوهش

- ۱- توسعه سیاسی در اسناد بالادستی از چه جایگاهی برخوردار است؟
- ۲- چه ارتباطی میان توسعه سیاسی و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟

۳- پیشینه پژوهش

آنچه نویسنده را بر آن داشت تا در این باره به پژوهش پردازد، خلایی بود که در پژوهش‌های صورت گرفته درباره جایگاه توسعه سیاسی در اسناد بالادستی و رابطه آن با افزایش قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران بود.

هرسیج و توسیرکانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مولفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قالب الگوی مردم‌سالاری دینی» اشاره داشته‌اند که می‌تواند به عنوان قدرت نرم ایران در برابر دیگر کشورهای جهان و به ویژه ملل مسلمان به شمار آید.

سرپرست سادات (۱۳۹۱) در پژوهش «بررسی تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری تمدن اسلامی»، به ارزش‌های و باورهای دینی همچون مردم‌سالاری دینی در آرای امام راحل (ره) اشاره داشته که توانسته تحولی اساسی در نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی در جامعه اسلامی بوجود آورد.

آدمی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)» حضور مردمی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی را به عنوان سرمایه اجتماعی و البته قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرده که از جایگاه بالایی در آرای امام راحل (ره) برخوردار است.

موسوی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» کاربست نظریه جوزف نای» به این نکته توجه دارد که امام راحل (ره) تأثیرگذاری هدفمند را در ترکیب میان قدرت نرم و قدرت سخت می‌داند و این همان چیزی است که جوزف نای آن را «قدرت هوشمند» می‌نامد.

۴- مبانی نظری پژوهش

۴-۱- قدرت نرم

در تعریف از قدرت، آن را توان تأثیرگذاری بر رفتار دیگری به منظور برآورده ساختن خواسته‌های خود نامیده شده است. در تعریف سنتی از قدرت که از آن تعبیر قدرت سخت می‌شود، به منزله به کار بردن قدرت همراه با زور و تهدید کاربرد زور توسط دیگری یاد می‌شود که ابزارهای نظامی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. در تعریف نوین از قدرت که به جنبه‌های نرم‌افزارانه از آن قدرت اشاره دارد، ابزارهایی به کار می‌رود که جذابیت آن طرف مقابل را به انجام دادن رفتاری متقاعد می‌کند. به عبارتی قدرت نرم، توانایی تأثیرگذاری و جهت‌دهی باورها و خواسته‌های دیگران به گونه‌ای است که فرمانبرداری و تبعیت آنان را در پی داشته باشد (Nye, 2007: 90 & Y Lukes, 2007: 163).

این جنبه از قدرت، همواره بخشی از ابزارهای قدرت در مناسبات سیاسی و امنیتی دولت‌ها در برابر یکدیگر بوده است به طوری که سن تزو، عنوان می‌کند که «منظور من از نفوذ اخلاقی به این گونه است که مردم رهبران خود را در زندگی و مرگ پیروی کنند بدون آن‌که هراسی از به خطر افتادن جانشان احساس کنند» (تزو، ۱۳۶۴: ۳۰).

با این وجود جوزف نای، اندیشمند و نظریه‌پرداز آمریکایی بود که در اواخر دهه ۱۹۸۰ با طرح آن در گفتمان‌های اندیشه‌ورزی بین‌المللی و ضرورت کاربست آن در سیاست خارجی ایالات متحده تحولی اساسی در نظریه‌های بین‌المللی رقم زد (نای، ۲۰۰۴ الف).

در کاربست این قدرت، نظریه‌پردازان بر این باور هستند که کشورها باید به گونه‌ای رفتار کنند که با معرفی جذابیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی خود بتوانند به دل‌های مردمان دیگر سرزمین‌ها رخنه کرده و از این طریق دولت‌هایشان را به وادار به دادن امتیاز و رفتار مطلوب (نای، ۲۰۰۴ ب: ۲۹-۳۰).

از نظر نای، قدرت نرم هر کشور در اصل از سه منبع نشأت می‌گیرد:

- فرهنگ؛

- ارزش‌های سیاسی؛

- سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۷: ۵۱-۴۳).

جوزف نای، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی را از جمله منابع برتر قدرت نرم کشورها برمی‌شمرد. او فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و رویه‌هایی می‌داند که نقش معنابخشی به جامعه را ایفاء می‌کنند. او در ادامه می‌افزاید هنگامی که باورها و آرمان‌های فرهنگ یک کشور جنبه جهان‌شمولی دارد و از مقبولیت نزد دیگر مردمان در سرزمین‌های دیگر برخوردار است، جذابیت‌های آن مورد استقبال قرار می‌گیرد و این کشور رفته رفته می‌تواند از این طریق به نتایج مطلوب خویش دست یابد. بر همین مبنا، میزان هم‌گرایی و پیوندهای فرهنگی، زبانی، مذهبی، قومی و ... با دیگر کشورها، ایدئولوژی، اشتراکات فرهنگی در دیگر کشورها، موقعیت ژئوپلتیکی، گسترش و آموزش زبان و ادبیات در دیگر کشورها، تشکیل انجمن‌های دوستی مشترک با دیگر، برگزاری مناسبت‌های فرهنگی مشترک با دیگر

کشورها برای معرفی چهره‌های فرهنگی مشترک و..... از جمله ابزارها و منابع فرهنگی قدرت نرم به شمار می‌روند (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۳۸؛ نای ۲۰۰۴ ب: ۱۲۸-۱۲۲).

نای سیاست خارجی را جلوه عملی پیاده‌سازی قدرت نرم کشورها یاد می‌کند که از طریق آن می‌تواند با فرمانبردار کردن دیگران اهداف خویش را که برخاسته از آرمان‌ها، ارزش‌های فرهنگی آن جامعه است، عملی سازند. بر همین اساس، سیاست خارجی را می‌توان، مجرای عملیاتی شدن منابع قدرت نرم دانست. از این‌رو، نای بر این باور است که سیاست خارجی تنها زمانی می‌تواند قدرت آفرین باشد که بتوان میزان نفوذپذیری آن در جامعه هدف را فارغ از نیت دولت مجری سنجید. (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۰۴-۱۰۳).

۴-۲- توسعه سیاسی، ابزار قدرت نرم

توسعه سیاسی، واژه‌ای جامعه‌شناختی است که از سوی مکاتب غربی به عنوان راهکاری برای کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی ارائه گردیده است.

مفهوم توسعه در ابتدا در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی در حوزه اقتصادی معنا پیدا می‌کرد، ولی رفته رفته با طرح موضوعات متفاوت، تعریفی جامع‌تر از آن ارائه شد که جنبه‌های دیگر از جمله سیاسی را نیز در بر گرفت. مایکل تودارو، توسعه را امری چندوجهی خواند و مدعی شد که تنها زمانی می‌توان کشوری را توسعه یافته دانست که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متفاوت اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل آن کشور از حالت نامطلوب بیرون آمده و به سوی وضعیت بهتر نیل یابد (ساعی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۸).

بر همین اساس، اندیشمندان متأخر، توسعه را امری فراتر از موضوعات اقتصادی خوانده و معتقدند که توسعه تک بعدی اقتصادی بدون توسعه سیاسی، به تحرکات ضدتوسعه‌ای در کشور منجر می‌شود. از این‌رو، توسعه اقتصادی برای به نتیجه رسیدن نیازمند سازوکار سیاسی و اجتماعی توسعه یافته‌ای است که اجازه اقدامات متناسب را به آن بدهد (Huntington, 1988: 52).

توسعه سیاسی، به معنای حرکت نظام‌های سیاسی از حالت بسته و محدود به سمت حالت باز و مشارکت‌پذیر است (خرمشاد، ۱۳۸۲: ۹۱).

در عرصه بین‌المللی، توسعه سیاسی را نیز می‌توان، جلوه‌ای از فرهنگ و ارزش‌های سیاسی قدرت نرم یک کشور دانست که با جذابیت و علاقمندی از سوی مردمان دیگر سرزمین‌ها، دنبال می‌شود و رویای دستیابی آن را در سر دارند. جامعه توسعه یافته سیاسی، جامعه‌ای است که مناسبات حاکم میان مردم و زمامداران مبتنی بر حقوق و مسئولیت‌های برابر است و بر اساس آن مردم یک کشور دارای حق تعیین سرنوشت و تعیین زمامداران و گذار از نظام ساده اقتداگرایی سیاسی به جامعه‌ای با حق رأی همگانی، احزاب سیاسی، پارلمان و بروکراسی‌های مدنی است (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۵).

توسعه سیاسی از منظر جامعه‌شناسی، فضایی را ترسیم می‌کند که افراد فارغ از تفاوت‌های نگرشی به گونه‌ای آزاد و برابر درباره مسائل سیاسی به گفتگو می‌پردازند و نظرات سازنده را به رأس هرم قدرت سیاسی برای بهبود فضای سیاسی کشور منتقل می‌کنند. تقویت چنین حوزه‌ای نیازمند ساخت سازوکارها و ابزارهای قانونی و نهادهای مدنی است که مهمترین آن‌ها را چنین می‌توان برشمرد: جابجایی مسالمت‌آمیز قدرت از راه انتخابات، کوشش جهت جلب نظر مردم؛ پاسخگو بودن قدرت سیاسی و نقدپذیری زمامداران، برپایی حکومت قانون از طریق پارلمان، حق انتخاب و مشارکت سیاسی و حضور نخبگان سیاسی در تحولات کشور (ساوه درودی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶).

به باور گابریل آلموند، اگر پویای توسعه سیاسی ناشی از مسائل داخلی باشد، به دلیل گسترش تجارت و رونق و پیشرفت صنعت طبقه متوسطی پدید آمده که این طبقه خواهان انجام اصلاحات عمومی و بهبود وضعیت خود و برآوردن نیازهای جدید در عرصه اقتصاد، سیاست و اجتماع بوده و از این رو تبدیل به نیروی محرکه ایجاد توسعه سیاسی برای برآوردن نیازهایش می‌شود. از نظر آلموند، مشارکت سیاسی فزاینده و توده‌ای مشخصه توسعه سیاسی است و با رفع چهار مشکل زیر تحقق توسعه سیاسی در جامعه امکان‌پذیر است:

الف) مشکل نفوذ قدرت سیاسی و یکپارچگی.

ب) ایجاد حس وفاداری و تعهد نسبت به ملت و منافع ملی و نظام سیاسی در میان توده‌ها.

ج) مشکل مشارکت که موجب پیدایش خواسته‌های جدید به ویژه پیرامون سهیم شدن در امر قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی می‌شود.

د) ایجاد روند توزیع منابع و امکانات مادی و فرصت‌های مختلف زندگی همچون فرصت تحصیل و کسب درآمد و ایجاد حرف تازه و سایر موارد نظارت و کنترل داشته باشد (آلموند، ۱۹۶۶: ۱۶-۳۰).

آیزن اشتات، توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی، هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند، به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (قوام، ۱۳۷۱: ۱۶؛ حاجتی، ۱۴۰۰: ۴۵-۴۷).

بنابر آنچه در بیان توسعه سیاسی، به عنوان ابزار قدرت نرم گفته شد، می‌توان توسعه سیاسی را بخشی از فرایند پیچیده توسعه ملی دانست که بسترها و استلزامات لازم برای نهادینه شدن امر مشارکت و رقابت سیاسی درون جامعه را فراهم نموده و افزایش توانمندی نظام سیاسی دستاورد آن است. (عبدلهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۸).

۵- چارچوب نظری توسعه سیاسی

از خصوصیات توسعه سیاسی به مانند دیگر حوزه‌های مختلف انسانی، گستردگی مباحث مربوط به آن، هم‌پوشانی آن‌ها و عدم وجود دیدگاه مشترک در خصوص مسائل مربوط به آن یا تعدد عقاید در مورد آن است، همین مسئله سبب آن شده که معانی مشخصی برای مفاهیم آن، با تعاریف جامع و مانعی برای مسائل مربوط به آن وجود نداشته باشد. بنابراین، هر کدام از تقسیم‌بندی‌های توسعه سیاسی، در ضمن یک رویکرد خاص و از ابعاد مشخصی انجام می‌پذیرد و با توجه به این دیدگاه خاص، احتمال دارد که نظریه‌ها و جریان‌هایی در یک قالب خاص به وجود آیند که ضرورتاً با قالب یا دیدگاه دیگر تفاوت داشته باشند. پس بدون شک، تقسیم‌بندی‌های ثابت مطلق برای نظریه‌های توسعه سیاسی وجود ندارد.

لوسیان پای^۱، در این خصوص بیان می‌نماید که، ابهام و بی‌دقتی در استفاده از اصطلاح توسعه سیاسی هنوز فراوان وجود دارد (پای، ۱۳۸۸: ۹۹).

اختلاف‌نظرها، تنها ناشی از تفاوت مفاهیم و تفسیر آنها نیست، بلکه در اکثر موارد ناشی از ارتباط توسعه سیاسی با ابعاد دیگر و توجه محققان یا پژوهشگران به حوزه‌های مشخص و محدود می‌باشد، چون که بعضی از آنان تنها به تعامل توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی با توسعه اجتماعی توجه خاصی داشته‌اند یا اینکه در برخی موارد این اختلاف‌نظرها متأثر از تمرکز بعضی صاحب‌نظران بر نتایج حاصله از توسعه سیاسی با مولفه‌های آن، مثل دموکراسی، مشارکت عمومی و غیره است. برخی موقع نیز این اختلاف‌نظرها، ناشی از وجود نقاط اشتراک و افتراق در توسعه با نهادهای مشابه آن مثل اصلاح، نوسازی، رشد و غیره، یا تعامل توسعه با امور داخلی یا خارجی مثل نظریه‌های وابستگی و غیره یا حتی تمرکز بر ماهیت معضلاتی است که توسعه با آنان مواجه است.

با توجه به موارد بیان شده، تنوع نظریه‌های سیاسی و تفاوت طبقه‌بندی آنها و عدم اتفاق نظر بر یک نوع طبقه‌بندی محققان یا نظریه‌ها در یک حوزه مشخص یا یک چهارچوب خاص، مسئله مشخصی به نظر می‌رسد، چون که این عمل به دیدگاه و سلیقه محقق بستگی دارد. همین مسئله سبب شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از نظریه‌های و طبقه‌بندی‌های خاص در ارتباط با توسعه سیاسی شده است.

برای نمونه، دکتر بشیریه بر این نظر است که دو الگوی اصلی همبستگی و جبرگرایانه وجود دارد که اولی بر اساس دیدگاه جامعه‌شناسی کارکردگرایانه قائل به وجود همبستگی میان اجزای یک نظام سیاسی و توسعه نظام سیاسی با توسعه حوزه‌های دیگر، در راستای برقراری تعادل است، اما در مقابل دیدگاه جبرگرایانه، توسعه سیاسی را تابعی از توسعه شهرنشینی، ارتباطات و آموزش با بسیج اجتماعی و توسعه اقتصادی، می‌داند (بشیریه، ۱۳۷۷: ۶۳-۶۷).

^۱- Lucian Pye

۶- فرضیات تحقیق

- ۱- توسعه سیاسی در اسناد بالادستی از جایگاه مهمی برخوردار است و بسیاری از این اسناد به افزایش مشارکت عمومی و توسعه سیاسی پرداخته‌اند.
- ۲- برآورده شدن ابعاد توسعه سیاسی، منتهی به ارتقای مشارکت عمومی و نهایتاً افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.

۷- روش تحقیق

از آنجا که هدف این تحقیق بررسی جایگاه توسعه سیاسی در اسناد بالادستی است، لذا از روش تحقیق تفسیری- کیفی استفاده می‌شود. به عبارتی، از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه کتب و مقالات موجود در کتابخانه‌ها و جمع‌آوری خواهند شد، روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد.

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- توسعه سیاسی به مثابه ابزار قدرت نرم در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نظام سیاسی جدید تأمین رفاه و نیازمندی‌های دنیوی و افزایش حضور و مشارکت مردمی در عرصه‌های گوناگون و همچنین ایجاد جامعه‌ای مملو از معنویت و اخلاق و عدالت را در زمره آرمان‌های و ارزش‌های بنیادین خود قلمداد کرده و همزمان به جمهوریت و اسلامیت نظام توجه ویژه دارد. بر همین اساس، پاسداشت و اجرای این دو مؤلفه را می‌توان اجزای جدایی‌ناپذیر اسناد بالادستی و حاکمیتی کشور دانست.

۸-۱-۱- توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی، سندی حقوقی- سیاسی در ارتباط با قدرت، چگونگی اعمال و اجرای آن است که اصول و مبانی حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه ساماندهی آن‌ها و همچنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبرداران را تعیین می‌کند. در این سند، بر مفاهیمی همچون حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند،

مشارکت سیاسی مؤثر، ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، تأمین آزادی‌های سیاسی - اجتماعی، نظارت‌پذیری همه ارکان حاکمیت زمینه قانونی و مشروع توسعه سیاسی را فراهم کرده که جلوه عینی جمهوریت و اسلامیت نظام است (شاه‌علی و اسدی، ۱۳۹۹: ۶۶).

موضوعات بنیادین مرتبط با پاسداشت حقوق سیاسی جامعه در قانون اساسی را می‌توان در قالب جدول زیر دسته‌بندی کرد (شاه‌علی و اسدی، ۱۳۹۹: ۷۱-۶۸؛ رضایی، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۳۵).

جدول شماره ۱. توجه به توسعه سیاسی در قانون اساسی ج. ۱. ایران (منبع: شاه‌علی و اسدی،

۱۳۹۹: ۷۰)

موضوعات بنیادین	متن قانون	ردیف
- حکومت اسلامی بر اساس اراده الهی و متعلق به مردم است.	مقدمه قانون اساسی	
- شکل‌گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود است.		
- سرنوشت مردم به دست خودشان سپرده شده است.		
- متخصصان دینی نظارت تخصصی بر دولت دارند.		
- تحول جامعه اسلامی نیازمند مشارکت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماع است.		
- تحول جامعه اسلامی نیازمند مشارکت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماع است.		
- ولی فقیه (رهبر) توسط مردم به عنوان ضامن عدم ایجاد انحراف در حکومت به شیوه غیرمستقیم انتخاب می‌شود.		
- آزادی اندیشه در چارچوب شرع و قانون ضروری است.		
- امکان تضارب آراء در رسانه‌های جمعی برقرار است.		

		<ul style="list-style-type: none"> - مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادی برخوردارند. - مردم در انتخاب مسئولان کاردان و مؤمن باید مشارکت فعال داشته باشند. - مردم باید بر دولت نظارت داشته باشند.
۲	فصل دوم	<ul style="list-style-type: none"> - مبنای حاکمیت اسلامی، حاکمیت خداست. - مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادی برخوردارند - حفظ کرامت انسان باید رعایت شود.
۳	اصل سوم	<ul style="list-style-type: none"> - از ظرفیت رسانه‌ها در افزایش سطح آگاهی‌های عمومی باید استفاده شود. - شکل‌گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود است. - مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادی برخوردارند. - مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، باید مشارکت داشته باشند.
۴	اصل ششم	<ul style="list-style-type: none"> - انتخاب مردم، قوه مجریه، قوه مقننه و شوراها را تشکیل می‌دهد. - در موارد مهم از طریق همه پرسی، خواست مردم در چارچوب قانون اعمال می‌گردد.
۵	اصل هفتم	<ul style="list-style-type: none"> - شوراهای منتخب مردم از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.
۶	اصل هشتم	<ul style="list-style-type: none"> - مردم باید بر دولت نظارت داشته باشند. - مردم باید بر یکدیگر نظارت داشته باشند.

	- دولت باید بر مردم نظارت داشته باشد.		
۷	- همه مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند.	اصل نوزدهم	
۸	- همه مردم از امنیت در چارچوب قانون برخوردارند.	اصل بیست و دوم	
۹	- همه مردم از آزادی عقیده برخوردارند	اصل بیست و سوم	
۱۰	- آزادی قلم، بیان و اندیشه در چارچوب شرع و قانون برقرار است.	اصل بیست و چهارم	
۱۱	- احزاب سیاسی، اقلیت‌های دینی و تشکل‌های صنفی در چارچوب شرع و قانون، می‌توانند آزادانه فعالیت کنند. - مردم برای فعالیت در احزاب سیاسی، اقلیت‌های دینی و تشکلهای صنفی آزادند.	اصل بیست و ششم	
۱۲	- مردم برای تشکیل اجتماعات و راهپیماییها در چارچوب شرع و قانون آزادند.	اصل بیست و هفتم	
۱۳	- همه مردم از امکان آموزش رایگان برخوردارند.	اصل سی‌ام	
۱۴	- حاکمیت از آن خداست و خداوند انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است. - شکل‌گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود است.	اصل پنجاه و ششم	
۱۵	- در جمهوری اسلامی قوا از هم تفکیک شده‌اند. - ولی فقیه (رهبر) بر قوای سه‌گانه نظارت دارد.	اصل پنجاه و هفتم	
۱۶	- رأی و نظر مردم در چارچوب شرع مبنای قانونگذاری است. - انتخاب مردم در چارچوب شرع، مجری قانون را مشخص می‌کند.	اصل پنجاه و هشتم	
۱۷	- در مسائل مهم، همه‌پرسی می‌تواند انجام شود.	اصل پنجاه و نهم	
۱۸	- مردم مستقیماً نمایندگان مجلس شورای اسلامی را	اصل شصت و دوم	

	انتخاب می‌کنند.		
۱۹	اصل هفتاد و ششم	- تحقیق و تفحص در تمام امور کشور توسط نمایندگان منتخب مردم، می‌تواند انجام شود.	
۲۰	اصل هشتاد و چهارم	- نمایندگان مجلس در برابر مردم مسئول هستند. - نمایندگان مجلس حق دارند در همه مسائل کشور اظهار نظر کنند.	
۲۱	اصل هشتاد و هفتم	- مردم به واسطه نمایندگان خود در انتخاب هیأت وزیران نقش دارند (رأی اعتماد)	
۲۲	اصل هشتاد و هشتم	- واسطه نمایندگان خود می‌توانند از رئیس جمهور و هیأت وزیران سؤال کنند.	
۲۳	اصل هشتاد و نهم	- مردم به واسطه نمایندگان خود می‌توانند هر یک از وزراء را استیضاح و عزل کنند.	
۲۴	اصل نودم	- مردم می‌توانند شکایت خود نسبت به عملکرد قوای سه گانه را از طریق مجلس شورای اسلامی مطرح و پیگیری نمایند.	
۲۵	اصل نود و نهم	- شورای نگهبان که متشکل از فقهای منصوب رهبر و حقوقدانان منتخب به واسطه نمایندگان مردم است، بر همه انتخاباتها و همه‌پرسی‌ها نظارت دارد	
۲۶	اصل یکصدم	- مردم با انتخاب نمایندگان خود در شوراهای اسلامی شهر و روستا در اداره امورات محلی خود سهیم هستند.	
۲۷	اصل یکصد و هفتم	- مردم با رأی غیرمستقیم و از طریق نمایندگان خود در مجلس خبرگان، رهبر (ولی فقیه) را انتخاب می‌کنند.	
۲۸	اصل یکصد و چهاردهم	- مردم با رأی مستقیم، رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند.	

۲۹	اصل یکصد و چهل و دوم	- قوه قضاییه بر اموال و دارایی مسئولان نظارت دارد.
۳۰	اصل یکصد و پنجاه و هشتم	- قوه قضاییه مسئول اجرای عدالت در جامعه است. - قوه قضاییه ناظر بر اجرای صحیح و دقیق قانون است. - قوه قضاییه ضامن حقوق و آزادی‌های مشروع عموم مردم است.
۳۱	اصل یکصد و هفتاد و چهارم	- قوه قضاییه ناظر بر اجرای صحیح و دقیق قانون است. - قوه قضاییه از ایجاد فساد اداری جلوگیری می‌کند.
۳۲	اصل یکصد و هفتاد و پنجم	- صدا و سیما وظیفه تأمین آزادی بیان و نشر افکار در چارچوب شرع و قانون را بر عهده دارد. - افکار و سلايق مختلف، در چارچوب شرع و قانون می‌توانند از طریق رسانه ملی، خود را به جامعه عرضه کنند.

۸-۱-۲- توسعه سیاسی در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴

این سند در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب برای اجرا به سران سه قوا ابلاغ و از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ به عنوان معیار و سنج اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه چهارم به بعد قرار گرفته است. در این سند، به منظور ارتقای توسعه سیاسی و تقویت قدرت نرم نظام سیاسی کشور، جامعه ایرانی از ویژگی‌های زیر برخوردار است: «توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، پیوسته با حکومت، امن، مستقل و مقتدر، الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی، تأثیرگذار بر همگرایی

اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعلیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)» (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، مورخ ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۸۲).

۸-۱-۳- توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور

همانگونه اشاره شد، افق ۱۴۰۴ از زمان آغاز تا فرجام مدت ۲۰ سال به طول می‌انجامد و این دوره زمانی، چهار برنامه پنج سال توسعه کشور را در بر می‌گیرد. از جمله نقاط اشتراک این برنامه‌ها، توجه به توسعه سیاسی و رونق بیشتر مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان مملکتی است (می‌سایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۴؛ ربیع‌زاده و خواجه‌سروی ۱۳۹۹: ۱۸-۱۴).

جدول شماره ۲. فراوانی و درصد فراوانی ابعاد مختلف توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و

ششم (منبع: می‌سایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۸)

ابعاد برنامه	دولت		جامعه مدنی		جامعه و مردم		مجموع مواد مرتبط	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
برنامه سوم	۵۲	۸۳,۸۷	۴	۶,۴۵	۶	۶,۶۷	۶۲	۱۰۰
برنامه چهارم	۵۳	۶۶,۲۵	۱۳	۱۶,۲۵	۱۴	۱۷,۵۰	۸۰	۱۰۰
برنامه پنجم	۵۰	۷۳,۵۲	۶	۸,۸۲	۱۲	۱۷,۶۴	۶۸	۱۰۰
برنامه ششم	۴۰	۷۴	۱	۲	۱۳	۲۴	۵۴	۱۰۰

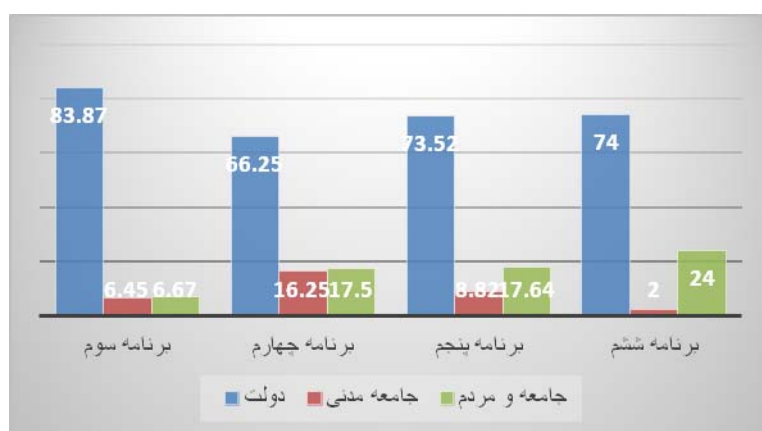
دولت در جامعه توسعه‌یافته، از ویژگی‌های حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور، تمرکززدایی در اداره کشور، تخصصی کردن حکومت، یکپارچگی ساختارها و روندها، منابع غیررانتی درآمدی دولت، عدم وجود فساد اداری و سیاسی، نفوذ سیاسی حاکمیت ملی و یکپارچگی سیاسی برخوردار است (می‌سایبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۵؛ زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۱۱؛ Huntington, 1988:24؛ عالم، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۵؛ بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

جامعه مدنی نیز مجموعه‌ای از نهادها، تشکیلات و سازوکارهای غیردولتی است که فارغ از دخالت قدرت سیاسی، نقش رابط و میانی در میان مردم افردا و روه‌های اجتماعی از یکسو و حکومت از سوی دیگر را بازی می‌کنند. این نهادها ضمن ضمانت و پاسداری از مشارکت مردمی در سازوکارهای سیاسی کشور، نقش به‌سزایی در مهار اقتدارگرایی بازی می‌کنند. تحزب، فعالیت نهادهای غیردولتی، وجود سازوکاری قانونمند برای مشارکت نهادهای مدنی و ... از جمله ویژگی‌های جامعه مدنی به‌شمار می‌روند (عباسی، ۱۳۹۳: ۴).

سرانجام، مردم و جامعه نقش عمده‌ای در روند توسعه سیاسی یک جامعه بازی می‌کنند. میان جامعه و نظام سیاسی در جامعه توسعه‌یافته سیاسی ارتباط مستقیمی برقرار است که متأثر از ویژگی‌های زیر است: آگاهی سیاسی، وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی، همبستگی ملی و نبود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه (قوام، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۷۹) از ۱۹۹ ماده تشکیل شده که ۶۲ ماده آن به موضوع رونق توسعه سیاسی در کشور می‌پردازد. در این میان ۵۲ ماده به شاخصه «دولت»، شش ماده به شاخصه «مردم و جامعه» و سرانجام ۴ ماده شاخصه «جامعه مدنی» را تبیین می‌کنند. برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴) نیز توسعه سیاسی را در زمره اولویت‌های خود قرار داده است. در این سند ۱۶۱ ماده‌ای، ۸۰ ماده به گونه‌ای موضوعات سیاسی را در بر می‌گیرد که ۵۳ ماده شاخصه «دولت»، ۱۴ ماده شاخصه «جامعه و مردم» و ۱۳ ماده نیز «جامعه مدنی» را در بر می‌گیرد. در برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰) نیز همچون دو برنامه قبلی نیز به توسعه سیاسی توجه شایانی شده است. در این سند ۲۳۵ ماده‌ای، از مجموع ۶۸ ماده مرتبط با مقوله توسعه سیاسی، ۵۰ ماده درباره شاخصه «دولت»، ۱۲ ماده در خصوص

شاخصه «مردم و جامعه» و نهایتاً ۶ ماده نیز به «جامعه مدن» اختصاص یافته است. سرانجام در برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) با ۱۲۴ ماده، شاخصه «دولت» با در اختیار گرفتن ۷۴ درصد بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است و پس از آن شاخصه‌های «مردم و جامعه» با ۲۴ درصد و «جامعه مدنی» با ۲ درصد در ردیف‌های بعدی قرار می‌گیرند.



نمودار شماره ۱: درصد فراوانی شاخصه‌های مختلف توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم تا ششم توسعه

(منبع: می‌سای، دین‌پرست، ۱۳۹۷)

در همه این اسناد بالادستی، توسعه سیاسی به مثابه ابزار قدرت نرم و با هدف ارتقای آگاهی‌های عمومی و مشارکت سیاسی مردم در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، شاخصه «دولت» توجه بیشتری را به خود اختصاص داده است. این موضوع نشانگر نگاه مدیریت‌شده نظام سیاسی به موضوع توسعه سیاسی با هدف در امان نگاه داشتن نهاد نوپای مردم‌سالاری دینی از تهدیدات نرم‌افزارانه دشمنان و مخالفان داخلی و خارجی است. بر این اساس، برنامه‌های توسعه با اجرای برنامه‌هایی همچون افزایش بهره‌وری و مقابله با فساد سیاسی و اداری، تمرکززدایی در امور کشور با خصوصی‌سازی، اجرای قانون و ضابطه-مندی نظام اداری کشور، رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی، گسترش نفوذ نظام سیاسی در نقاط مختلف کشور کوشیده شده تا با اصلاح نظام مدیریتی و دیوانی کشور به توسعه سیاسی دست یابد (می‌سای و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۹-۱۷۰).

۸-۲- توسعه سیاسی و افزایش قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم به مثابه یکی از ارکان سیاست بین‌الملل در عصر حاضر، جایگاه رفیعی یافته است، به گونه‌ای که سیاستمداران برای دستیابی به آن تلاش زیادی دارند. علت این امر را می‌توان در کارآمدی و موفقیت قدرت نرم نسبت به اشکال کلاسیک قدرت (قدرت سخت و برهنه) جستجو کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر واحدهای سیاسی، نیازمند بازشناسی، تقویت و کاربست قدرت نرم است تا به این وسیله توان قدرت ملی خویش را ارتقاء بخشد، یکی از نهادهای تاثیرگذار در این حوزه توسعه سیاسی است. در عصر جهانی شدن، توسعه سیاسی و ابعاد آن، یکی از ارکان اصلی سیاست بین‌المللی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که هرگونه نقض و نقصان در نظام سیاسی یک کشور، می‌تواند پرستیژ بی‌ن‌المللی، قدرت و اعتباری ک کشور را کاهش دهد.

آنچه در نگاه مکتب‌نوسازی و دگرگونی سیاسی در دهه‌های گذشته دنبال شده است، ارائه یک نسخه جهانشمول توسعه سیاسی غرب‌گرا به سبک و سیاق ایالات متحده بوده است، بدون اینکه به پویایی‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی جوامع توجه شود. همچنین در الگوی سیاسی دموکراسی مادی‌گرا و غربی، ولنگاری سیاسی-ماکیاولیستی و کسب قدرت به هر طریق برای ارضای خواهش‌های حزبی و گروهی حاکم است که آرمان‌ها و ارزش‌های مذهبی و دینی جوامعی همچون ایران سازگار ندارد. در مقابل، آنچه مراد از توسعه سیاسی در نظام اسلامی زیر زمامداری ولی فقیه است، نه تنها به نیازمندی‌ها و پویایی‌های مادی مردم توجه می‌شود که هدف از تأسیس نظام سیاسی به تأسی از فرمایش حضرت امیر المومنین (ع)، بلکه رساندن جامعه به سعادت و رفاه مبتنی بر اخلاق، معنویت و عدالت است (نهج البلاغه نامه ۵۳؛ رسایی، ۱۳۷۸: ۲۴).

از این‌رو، انقلاب اسلامی را می‌توان جریان گذار از یک نظام اقتدارگرایی استبدادی به نظامی آرمانی و اخلاقی و مردم‌سالار برشمرد. رهبران انقلاب و در صدر آنها، امام خمینی (ره) برخلاف دوران گذشته، نظام سیاسی مطلوب را مبتنی بر حضور توده‌های مردمی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌دانستند. بر همین اساس، ایشان در سخنرانی تاریخی خود در

جمع علما و روحانیون در ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۷ در مدرسه فیضیه قم، بر برگزاری رفراندوم برای تعیین سرنوشت مملکت تأکید ورزیدند.

با برگزاری رفراندوم در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و رأی ۹۸ درصدی آری مردم به جمهوری اسلامی، الگوی جدیدی از نظام سیاسی توسعه‌گرا به دنیا معرفی شد که هم نشان از محوریت مردم در نظام سیاسی داشت و هم هویت و معنای الهی و قدسی به دموکراسی بخشید (خمینی، ۱۳۵۷، ج ۲۱: ۹۳).

در واقع، در نظام سیاسی جمهوری اسلامی با ایجاد ارتباط سیاسی- مذهبی میان مردم و زمامداران در فرایند مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، «اعتماد متقابل مردم و نظام» افزایش یافته و مشروعیت نظام سیاسی کشور بیشتر می‌شود. در این فرایند، منافع نخبگان سیاسی حاکم و منافع عموم مردم همسو و نزدیک می‌شود. امام خمینی (ره) در جایگاه رهبری خیزش مردمی و برخلاف دودمان استبدادی پهلوی، با اذعان به اینکه «همه ملت رهبرند و بیدار شده‌اند» نگاهی خوش‌بینانه‌ای نسبت به درک، شناخت مردم از مفاسد و مصالح جامعه داشتند و برخلاف بسیاری از روشنفکران غرب‌زده دوران اخیر، جوهره مردم را در جهت اقامه حکومت اسلامی و مبارزه با ستم و بی‌عدالتی و نیل به آزادی و استقلال تفسیر می‌کردند (خمینی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۸۴ و آدمی، ۱۳۹۶: ۷۶).

در واقع «آگاهی‌بخشی به مردم» محور راهبرد مبارزاتی نهضت امام خمینی از آغاز در سال ۱۳۴۲ تا انقلاب و پس از انقلاب در عرصه‌های گوناگون بود. این آگاهی‌بخشی در آغاز نهضت با نشر و پخش اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های حضرت امام (ره)، موجب تهییج باورهای مذهبی- سیاسی مردم و اندیشیدن درباره مسائل سیاسی و اجتماعی و ارتقای سطح فرهنگ عمومی شده بود (آدمی، ۱۳۵۷: ۷۸، اعلائی: ۱۳۸۹، ۱۹۵-۱۹۹).

با پیروزی انقلاب اسلامی، محوریت اسلام به عنوان گفتمان منجی و معنویت‌گرا، از جذابیت بالایی برای گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی قرار گرفته بود به طوری که تا پیش از انقلاب اسلامی عمدتاً جریان‌های کمونیستی و جبهه مبارزاتی گروه‌های مخالف بود ولی پس از آن اسلام‌گرایی از اهمیت بالایی برخوردار شدند. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

این انسجام‌بخشی میان مردم و رهبریت که تحت نظریه ولایت فقیه شکل گرفته بود، سبب شده بود تا در دوران پس از انقلاب نیز فرامین رهبری انقلاب نفوذپذیری بیشتری پیدا کند و فضای سیاسی کشور را مبتنی بر مشارکت سیاسی آگاهانه مردم به سمت تحقق حکومت اسلامی سوق دهد (خواجه سروی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

در الگوی سیاسی نوپیدای مبتنی بر ولایت فقیه، زمامداری فقیه مجتهد جامع‌الشرایط تجلی - بخش حاکمیت احکام خداوند بر جامعه به نیابت از پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان هادی (ع) در عصر غیبت است تا ضمن برخورداری از قداست جایگاه خویش و همچنین قدرت سیاسی برتر، رابطه معنوی و قدسی با مردم و پیروانش برقرار و جامعه سیاسی کشور را به سطحی فراتر از توسعه سیاسی غربگرا و مادی‌گرا هدایت می‌کند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۲۲۹). در این چارچوب، امام خمینی (ره) قدرت نرم در سیاست خارجی کشور را این چنین برمی‌شمردند: «جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی ندارد که مسلمانان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.... (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۲۳۸).

این رویکرد با جانشینی حضرت آیت‌اله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸ همچنان ادامه یافت. ایشان همواره عنوان داشته‌اند که دشمنان انقلاب به نحوی از انحا در تلاش بوده‌اند که نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و با ناکامی در عرصه‌های نظامی و تحریک صدام حسین به تحمیل جنگ هشت ساله علیه ایران، به بهره‌برداری از ابزار «نفوذ» و جنگ نرم اقدام ورزیده‌اند.

ایشان همچون رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضور آگاهانه مردم در عرصه‌های مختلف مشارکت سیاسی - اجتماعی - مذهبی را همچون سد مستحکم در برابر جریان نفوذ، جنگ نرم، توطئه‌ها و دشمنی‌های معاندین جمهوری اسلامی می‌دانند. از نگاه رهبر معظم انقلاب، «بصیرت» و «بصیرت‌افزایی» جمله کلیدواژگانی است که نقش به‌سزایی در افزایش آگاهی عموم مردم در برابر توطئه‌ها و جنگ نرم دشمنان دارد.

حضور پرشور و حداکثری در انتخابات فارغ از نتیجه آن نیز در آرای رهبر انقلاب، به معنای رشد آگاهی سیاسی مردم و به مثابه عمل صالحی است که نقشه دشمنان را نقش بر آب می‌کند. ایشان، در سخنرانی نوروزی ۱۳۹۲ ضمن نامیدن سال جدید به عنوان «حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی»، انتخابات را مظهر حماسه سیاسی، آنرا حافظ آبرو ایران و نماد «مردمسالاری دینی» در برابر «دموکراسی لیبرالی» دانستند (متن بیانات حضرت آیت‌اله خامنه‌ای در حرم رضوی، دوم فروردین ۱۳۹۲).

ایشان مشارکت گسترده مردم و انتخاب نامزدهای اصلح در انتخابات مختلف را «تأیید» نظام اسلامی در برابر جنگ نرم دشمنان می‌دانند که نشانه اعتماد عمومی مردم است. به باور ایشان، «حتی کسانی که ممکن است در دل از نظام اسلامی گله‌مندی هم داشته باشند، اما وقتی می‌آید در چهارچوب نظام رأی می‌دهد، معنایش این است که این چهارچوب را قبول می‌کند و به آن اعتماد می‌کند و آن را کارآمد می‌داند که در چهارچوب آن دارد حرکت می‌کند. این قریب ۴۲ میلیون رأی ملت، هفتاد و چند درصد، رأی به نظام اسلامی و اعتماد به نظام اسلامی بود. حادثه بسیار مهمی بود.» (بیانات حضرت آیت‌اله خامنه‌ای درباره نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و ۱۳۹۶).

در مجموع آن‌که، در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، مردم تصمیم‌گیرنده و مشارکت‌کننده در سرنوشت خود هستند و در سایه رهبر ولایت فقیه، اخلاقیات و معنویات همچون روحی در کالبد جامعه دمیده شده است. پیوندهای ناگسستنی میان مردم و رهبر نظام به عنوان سرمایه اجتماعی، تأمین‌کننده ثبات و آرامش در کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی به شمار می‌رود. مشارکت و حضور پرشور و حماسی مردم در راه‌پیمایی‌های مختلف در طول سال‌های پس از انقلاب و فرمانبرداری از ولایت فقیه، نشانه بارزی از توسعه سیاسی و مشارکت گسترده مردم در تعیین سرنوشت خود و همچنین ابزار قوی و تأثیرگذاری از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود (خواجه سروی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

به طور کلی می‌توان گفت، از ابعاد تقویت‌کننده قدرت نرم یک کشور، جذابیت ارزش‌ها و مطلوبیت‌های نظام سیاسی از جمله توسعه سیاسی یک کشور است. این مهم، می‌تواند در ارائه

تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان و سیاست‌های بین‌المللی، مؤثر واقع گردد. در بیان دیگر، هر چه توسعه سیاسی یک کشور، در اذهان و افکار عمومی جهان افزایش یابد، میزان جذابیت برای همکاری‌های بین‌المللی، به تناسب، توسعه خواهد یافت، زیرا واحدهای سیاسی، تنها از طریق همکاری‌ها، مناسبات و مبادلات فرهنگی فی مابین است که منافع و اهداف یک کشور را مورد شناسایی قرار می‌دهند. میزان مشارکت‌های مردمی در انتخابات‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و راهپیمایی‌ها، نشان‌گر توسعه یک نظام سیاسی است، که به سهم خود، تأثیر زیادی در نگرش افکار عمومی جهان در تعاملات سیاسی داشته و در نتیجه، موجب ارتباطات بیشتر در عرصه جهانی می‌گردد.

نتیجه گیری

توسعه سیاسی و ارتقای آگاهی و مشارکت عمومی از ابتدای نهضت به رهبری امام خمینی (ره) نقش به سزایی در پیروزی انقلاب و همچنین پاسداشت آن از گزند تهدیدات داخلی و خارجی داشته است و به مثابه ابزار قوی و تعیین کننده‌ای نزد ایشان و همچنین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب به شمار رفته است. در این بین، با استفاده از سه شاخص مورد نظر لوسین پای، دولت، جامعه مدنی و جامعه و مردم، میزان توجه به توسعه سیاسی و ارتقای مشارکت عمومی مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان نظام سیاسی مورد مطالعه قرار گرفت. در جمع بندی صورت گرفته، شاخصه «دولت» نقش بیشتری را در توسعه سیاسی بازی کرده است. این موضوع به لحاظ نوپابودن نظام سیاسی و نگرانی و حساسیت رهبران نظام برای در امان نگه داشتن جمهوری اسلامی امری طبیعی به شمار می‌رود. از این رو، همواره کوشیده شده تا با اصلاح نظام مدیریتی و دیوانی کشور، توسعه سیاسی به دست آید.

قدرت نرم را می‌توان در قالب توانایی نیل به اهداف مورد نظر، از طریق جلب آراء و نظریات افکار عمومی تعریف کرد. در این نوع از قدرت، مسئله اجبار و فشار بین المللی، برای جلب نظر و یا تحمیل اراده خود، نظیر آنچه در بکارگیری قدرت نظامی صورت می‌پذیرد، مطرح نیست. بلکه فضا و شرایط دسترسی به اطلاعات مورد نظر، به نحوی فراهم می‌شود که آنها را به پذیرش نظر و افکار اجرا کننده قانع می‌سازد. همان گونه که مطرح شد، از ابعاد مؤثر بر افزایش قدرت نرم یک کشور، توسعه سیاسی است. بر همین اساس، می‌توان از توسعه سیاسی، به عنوان مهم‌ترین ابزار افزایش و اعمال قدرت نرم در سیاست بین‌الملل نام برد. از لحاظ سیاسی، حضور مؤثر و پویای مردم در جریان‌های سیاسی، از جمله مشارکت عمومی، شرکت در انتخابات، فعالیت‌های احزاب سیاسی، بر نفوذ و تأثیرگذاری قدرت نرم یک کشور در عرصه جهانی خواهد افزود.

کتابنامه

۱. آدمی، علی (۱۳۹۶)، «جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۷(۱۶)، ۶۶-۸۵.
۲. اعلایی، حسین (۱۳۸۹)، «معجزه امام در ارتش شاهنشاهی»، مجله حضور، ۱(۶۰)، ۱۹۵-۲۰۸.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۷)، سیری در نظریه‌های علوم سیاسی، تهران: نشر علوم نوین.
۴. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه نگاه معاصر.
۵. بیانات حضرت آیت‌اله خامنه‌ای در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی، مورخ ۱۹ دیماه ۱۳۸۸، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت اله العظمی خامنه‌ای.
۶. بیانات حضرت آیت‌اله خامنه‌ای درباره نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و ۱۳۹۶، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع اقشار مختلف مردم مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۹۲، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، مورخ ۹ تیرماه ۱۳۸۶ و چهارم شهریور ۱۳۹۶، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌اله العظمی خامنه‌ای.
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، چهارم آذرماه ۱۳۸۸، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای.
۱۰. بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. پای، لوسین (۱۳۸۸). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سی‌سی‌اس‌ی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. حاجتی، یوسف (۱۴۰۰)، «بررسی دیدگاه نخبگان دانشگاهی پیرامون موانع توسعه سیاسی در ایران (۱۳۹۷-۱۳۵۷)». رساله دکتری، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد اهواز.
۱۳. خانجانی، قاسم (۱۳۹۸)، «راه‌های مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌اله خامنه‌ای (مد ظله العالی)»، دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۹(۱)، ۱-۳۰.

۱۴. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۲)، «ضرورت راهبردی توسعه سیاسی در ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶ (۲۱)، ۸-۱۰۲.
۱۵. خمینی، روح اله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۹)، سی گفتار پیرامون امام خمینی، انقلاب و جمهوری اسلامی، تهران: انتشارت دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها با رهبر انقلاب، مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۵، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌اله العظمی خامنه‌ای.
۱۸. ربیع‌زاده، محمد و خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۹۹)، «اثربخشی توسعه سیاسی در برنامه‌های پنج ساله توسعه مطابق با رویکرد سند چشم‌انداز بیست ساله افق ۱۴۰۴ ایران»، فصلنامه راهبرد، ۲۹ (۹۶)، ۵-۲۸.
۱۹. رضایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «شاخصه‌های توسعه از منظر اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی»، مجله معرفت سیاسی، ۲ (۱)، ۱۲۵-۱۴۸.
۲۰. زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳)، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۰ (۲۹)، ۷-۲۸.
۲۱. ساعی، احمد (۱۳۸۸)، مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم، تهران: سمت.
۲۲. ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۰)، مدیریت بحران‌های امنیتی، تهران: نشر دانشکده فارابی.
۲۳. سخنرانی تلوزیونی رهبر در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، مورخ ۲۶ خردادماه ۱۴۰۰، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌اله العظمی خامنه‌ای.
۲۴. سعیدی، روح الامین و مقدم‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۴ (۱۱)، ۱۰۷-۱۲۶.
۲۵. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، مورخ ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۸۲، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌اله العظمی خامنه‌ای.
۲۶. شاه‌علی، احمدرضا و اسدی، مهدی (۱۳۹۹)، «تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳ (۳)، ۶۱-۸۵.
۲۷. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۶)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

۲۸. عباسی، فرهاد، (۱۳۹۳) «تبیین توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۵)»، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، پاییز، ۱۱(۱)، ۱-۲۴.
۲۹. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، راه دراز گذر، بررسی تحول گفتمان سیاسی در ایران، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۳۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱)، توسعه سیاسی و تحول اداری، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
۳۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: نشر سمت.
۳۲. قوانین برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۱/۱۷؛ ۱۳۸۳/۰۶/۱۱؛ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵؛ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۳۳. می‌سایبی، قاسم؛ دین‌پرست، فائز و تقی‌پور، عباس (۱۳۹۸)، «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸(۲۸)، ۱۵۵-۱۸۴.
34. Huntington, S, (1988), Political Order in Changing Societies, Yale University Press, New Haven, U.S.A.
35. Nye, J. S. (1990) "The Changing Nature of World Power", Political Science Quarterly, Vol. 105 (2): 177-192.
36. Pye, L. W, (2015), Communications and Political Development, (SPD-1).